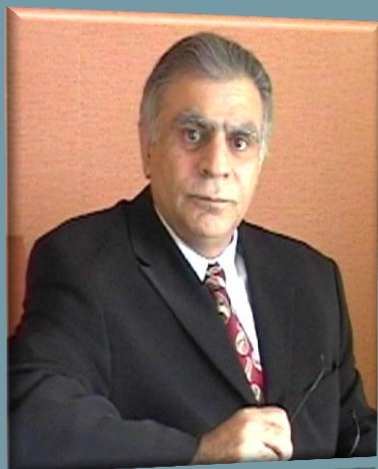




لبخند شیطان



داکتر بهروز ارغند



سفر پرندگان بیبال



کفتربازان



پهلوان مراد و  
اسپی که اصیل نبود

## لبخند شیطان

اخیراً نویسنده توانا و ژورنالیست سابقه دار کشور داکتر ببرک ارغند شهکار ادبی دلچسپ دیگر را تحت عنوان «لبخند شیطان» به دست نشر سپاریده اند!

در این داستان آمده است:

«... می دید چوچه عندلیبی از آشیانه اش افتاده است، چوچه یی که تازه پر و بال کشیده اما پرواز نیاموخته است. گوشتهای سرخ بدنش در میان برگها آشکار است، شهپر هایش هنوز نیچه اند، جنگل را نمیشناسد، برگ را نمیشناسد، مزه میوه های جنگلی را نچشیده است... صدای بچه عندلیب را میشنید. صدای مادرش هم می آمد که هراسان از شاخه یی به شاخه یی میپرید، با اضطراب بالک میزد و چوچه اش را از خطر با خبر میساخت؛ مگر چوچه عندلیب، شغال را ندیده بود، شغال را نمیشناخت...»

ببرک ارغند نویسنده متفکر، مطرح و محبوب، از سی سال به اینسو مینویسد و آثارش جایگاه والایی در ادبیات داستانی ما دارد. این نویسنده در پرتو پیروزیهایی که در عرصه واقع بینی کسب نموده است و به گواهی آثارش به ویژه رمانهای پُر آوازه و ماندگار «پهلوان مراد و اسپه که اصیل نبود»، «کفتر بازان» و «سفر پرنده گان بیبال» - که هریک بیش از چهار صد و پنجاه رویه دارد - یکی از تواناترین و هنرمندترین رمان نویسان کشور به شمار میرود.

«لبخند شیطان» مانند سایر آثار این نویسنده گوشه یی از زنده گی و زیسته های مردم ما را آینه وار بازتاب میدهد. در داستان مایه های روانشناختی و توصیفی در یک وحدت حیرت آور به هم می آمیزند و به همین گونه شرح و بیان خرد شدن ملتی در منگنه جنگ، وکاووش عالمانه روان آدمهای سرخورده آن، توانمندی شگفت انگیز نویسنده را بیان میدارد. عده یی به این باور اند که: رمان «لبخند شیطان» - که یکهزار و یکصد و شصت و نه صفحه دارد - ادبیات داستانی ما را وارد مرحله جدیدی از تکامل خود ساخته است!